

## شفاف سازی و رفع فیلترینگ لازم و ملزوم یکدیگرند

### کلید اقناع

#### یادداشت

فیلترینگ، چه از منظر افکار عمومی و چه از دید فرآیند توسعه ملی، به عنوان یک مانع بزرگ در مسیر رونق کسب و کارها، ارتباطات روزمره و انتشار اطلاعات شناخته می‌شود. اگرچه این موضوع ممکن است آفت‌هایی داشته باشد، اما باید توجه کرد که هر پدیده تمدنی، مزایا و معایب خاص خود را دارد. معایب فیلترینگ که منظور از آن صرفاً پیامدهای اجتماعی و فرهنگی است نه مصلحت‌های سیاسی را می‌توان با فرهنگ‌سازی، افزایش آگاهی عمومی و قانونگذاری کنترل کرد و به حداقل رساند. معتقدم در شرایط کنونی باید هرچه سریع‌تر فیلترینگ توسط دولت مورد بازنگری قرار گیرد تا مردم به عنوان حق طبیعی و مسلم خود، به اطلاعات آزاد دسترسی پیدا کنند. مسأله اساسی‌تر، اقناع افکار عمومی است. یعنی مردم قانع شوند که کدام تصمیمات واقعاً به نفع کشور است و کدام یک برای شهروندان تنگنا ایجاد می‌کند.

یکی از عواملی که موجب می‌شود شهروندان از مشارکت و همکاری پرهیز کنند، عدم اعتماد به تصمیمات و نبود شفافیت لازم در مسائل است. این موضوع باعث می‌شود که مردم به مسائل در چهارچوب منافع ملی نگاه نکنند و دلیلی برای همکاری و مشارکت نداشته باشند. بنابراین زمانی که حاکمیت تصمیماتی برای پیشبرد منافع ملی اتخاذ می‌کند، دولت باید از طریق رسانه‌ها افکار عمومی را اقناع کرده و سطح آگاهی مردم را ارتقا دهد تا مردم نیز همراهی لازم را داشته باشند. البته این فرآیند، زمانی مؤثر واقع می‌شود که شهروندان واقعاً باور داشته باشند دولت و حاکمیت برای

پیشبرد منافع آنها عمل می‌کنند نه اینکه قصد دارند مانعی برای توسعه ایجاد کنند.

یکی از مسائلی که موجب دوگانگی در جامعه می‌شود، نبود شفافیت و اطلاع‌رسانی صحیح به مردم است. در چنین شرایطی، اگر دولت تصمیم به اجرای برنامه‌هایی مانند فیلترینگ بگیرد، به دلیل نبود شفافیت و آگاهی‌رسانی، احتمال عدم همراهی مردم و شکست برنامه‌های آن وجود دارد. هرچند بخشی از این دوگانگی به مسائل سیاسی و جناحی مربوط می‌شود و نمی‌توان آن را در یک چهارچوب طبیعی پیش برد. وقتی یک گروه رقیب به هر قیمتی سعی در مانع‌تراشی در کار دولت دارد، قطعاً روند طبیعی کار و پیشبرد برنامه‌ها مختل خواهد شد. به همین دلیل هم لازم است حاکمیت، خود برای کاهش این دوقطبی‌ها اقدام کند، زیرا برخی از این افراد ممکن است باور نداشته باشند که فیلترینگ آسیب‌زاست، اما برای تحقق منافع خود تصمیم می‌گیرند که همچنان بر تصمیمات سابق خود پافشاری کنند.

متأسفانه این منافع مانع شکل‌گیری رقابت سالم می‌شود و باعث می‌شود دولت به جای حل مسائل روزمره مردم، درگیر حواشی شود. به همین دلیل، رسانه‌ها باید در چهارچوب وظایف خود در حوزه ارتباطات توسعه و روزنامه‌نگاری، به ایفای نقش پرداخته و افکار عمومی را برای پذیرش تصمیماتی که به نفع منافع ملی است، آماده کنند. البته رسانه‌ها در خلأ نمی‌توانند اعتماد و همکاری عمومی را جلب کنند. اگر افکار عمومی با اطلاعات درست و شفاف قانع نشده باشند، هیچ تصمیمی برای پیشبرد منافع عمومی جامعه مؤثر نخواهد بود. ♦



محمد مهدی فرقانی

استاد ارتباطات

